

مرد خشمگین که در اثر اختلاف خانوادگی، همسرش را با گوشت‌کوب چوبی به قتل رسانده بود درحالی‌که خودش نیز به‌شدت زخمی شده بود به جنایت هولناک خود اعتراف کرد.
سرهنگ فرج ا... اسدالهی، فرمانده انتظامی شهرستان فردیس در این‌باره به سایت پلیس گفت: فردی با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ تماس گرفت و اعلام کرد، درگیری منجر به قتل در یکی از محله‌های

#### قتل همسر باگوشت‌کوب

### پلیس فداکار از جنایت پیشگیری کرد

**لیلا حسین زاده** با حضور به‌موقع افسر گشت پلیس شهرستان بوشهر در یک محل نزاع، جوانی که هدف پنج ضربه مهلک چاقو قرار گرفته و به‌شدت دچار خونریزی شده بود،

از مرگ نجات یافت. درحالی‌که اورژانس در محل حاضر نشده بود. این پلیس فداکار با خودروی انتظامی، مصدوم چاقو خورده را به سرعت به نزدیک‌ترین بیمارستان منتقل کرد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ساعت یک بامداد ۲۹ بهمن ماه، یکی از محلات بوشهر شاهد زدوخوردی عجیب میان تعدادی از جوانان بود. درگیری لحظه‌به‌لحظه شدت پیدا کرد تا جایی که یک جوان ۱۹ساله از میان آنان هدف پنج ضربه چاقو قرار گرفت و ناگهان روی زمین افتاد. شدت ضرایب به حدی بود که خون به سرعت روی زمین جاری شد و برخی افراد حاضر در درگیری که ضاربان نیز بین آنان بودند، با مشاهده خون و احتمال قتل پسر جوان پا به فرار گذاشتند، اما چند نفر دیگر همچنان در محل ماندند. وضعیت پسر جوان چاقو خورده به دلیل خونریزی شدید لحظه‌به‌لحظه در حال بدتر شدن بود و درنهایت یکی از آنان با پلیس ۱۱۰تماس گرفت و آنها را در جریان این نزاع خونین قرار داد و درخواست کمک کرد. این ماموریت به ستواندوم موسی زنده‌بودی افسر گشت بوشهر محول و او نیز عازم محل نزاع شد.

ستواندوم زنده‌بودی در گفت‌وگو با جام‌جم در مورد این ماموریت گفت: «وقتی به محل رسیدیم، مشخص شد چاقو‌خوردگی این جوان عمیق و از پنج ضربه، یک ضربه به قلبش اصابت کرده بود و وضعیت خطرناکی داشت. جوان زخمی شرایط بسیار ناگوار را سپری می‌کرد و با توجه به حجم خونریزی هر لحظه احتمال داشت جانش را از دست بدهد. با توجه به این‌که آمبولانس هنوز در محل حاضر نشده و حتی یک ثانیه هم برای نجات جان آن جوان بسیار حیاتی و بارزش بود، پس از هماهنگی با مافوق خود در شهرستان بوشهر، مصدوم را سوار خودروی انتظامی کردیم و پس از ۲-۳ دقیقه به نزدیک‌ترین بیمارستان انتقال دادیم که خوشبختانه ختم به خیر شد. اگر مصدوم به بیمارستان منتقل نمی‌شد یا این انتقال با کمی تأخیر صورت می‌گرفت، قطعاً او جانش را از دست می‌داد. هنوز هم باورم نمی‌شود که این جوان با آن شدت جراحات به بیمارستان رسیده و عمر دوباره از خدا گرفته باشد.» از قرار معلوم هنوز علت درگیری مشخص نیست، اما یکی از ضاربان دستگیر شده و ضارب دیگر همچنان متواری است. سرهنگ جعفری، جانشین فرمانده انتظامی شهرستان بوشهر با اشاره به واکنش مناسب ستواندوم زنده‌بودی نسبت به ماموریت و مصدوم در حال مرگ گفت: «پس از انجام هماهنگی‌های لازم، مصدوم با توجه به وخامت حال با خودروی انتظامی به بیمارستان منتقل شد که این اقدام به‌موقع ایشان در نجات دو خانواده (خانواده مصدوم و خانواده ضارب اگر به قتل می‌رسید به عنوان قاتل و مقتول) موثر بود. پدربزرگ این جوان هم گفت: «اقدام به‌موقع پلیس باعث شد تا فرصت زندگی دوباره برای نوام فراهم شود، با این‌که انتقال او به بیمارستان وظیفه برادر پلیس ما نبود.»



شهرستان فردیس رخ داده است. همزمان ماموران با حضور در این خانه پی بردند مردی به علت جراحات سطحی از ناحیه سینه، کف پذیرایی خانه‌اش افتاده که به بیمارستان منتقل شد. وی افزود: در بررسی‌های بعدی از این خانه، جسد همسر او را در اتاق خواب در حالی یافتند که آثار جراحات در ناحیه‌ییبی و سر داشت. یک گوشت‌کوب چوبی با آثار که‌های خون روی آن نیز

کشف شد. تحقیقات در این‌باره ادامه داشت تا این‌که مرد زخمی بعد از بهبودی از بیمارستان مرخص و به پلیس آگاهی منتقل شد و در جریان تحقیقات اعتراف کرد که با همسرش به خاطر اختلاف‌های خانوادگی درگیر شده و با برداشتن گوشت‌کوب ضربه‌هایی به او زده که باعث مرگ او و زخمی شدن خودش شده است. این مرد در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات از او ادامه دارد.



## شوهرکشی با شال و جوراب!

## گزارش «جام‌جم» از محاکمه یک زن به اتهام قتل شوهرش

زن جوان که متهم است همسرش را با شال و جوراب خفه کرده، در دادگاه کیفری منکر خفه کردن

شوهرش شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، فریبا زن میان‌سالی است که ۲۸ بهمن سال گذشته در اثر اختلاف خانوادگی با شوهرش او را در خانه‌شان در طبقه سوم ساختمانی در محله ستارخان با شال گردن به قتل رساند و در دهان مقتول جوراب گذاشت.

او با دستور بازپرس شعبه اول دادسرای جنایی تهران به پزشکی قانونی معرفی و سلامت روانی‌اش تایید شد. با گذشت شش ماه از این جنایت، او برای آخرین جلسه تحقیقات از زندان به شعبه اول بازپرسی دادسرای جنایی تهران منتقل می‌شد. تحت شوهرم از بیماری روحی رنج می‌برد. تحت درمان روانپزشک بود و دارو و قرص‌های آرامبخش استفاده می‌کرد. چند مرتبه هم خودزنی کرده بود. ما ۱۴ سال زندگی مشترک داشتیم و صاحب فرزند نشدیم. مدام با هم درگیری و دعوا داشتیم. در زندگی مان آرام و قرار نداشتیم، حتی چند مرتبه از او خواستم جدا شویم اما می‌گفت چون به من علاقه‌مند است، نمی‌تواند مرا طلاق دهد و دوری از من برایش رنج‌آور است. شب قبل از حادثه شوهرم دوباره قرص‌های آرامبخش خورد. سر مسائل مختلف و نداشتن بچه دوباره دعوی‌امان شد. زد و خورد کردیم. وسایل آشپزخانه با هم ریخت. ماهیتابه را برداشت و خودش را زد که دسته آن شکست.

وی ادامه داد: چهار زانو گف آشپزخانه نشست و داد و فریاد می‌کرد و ساکت نمی‌شد. شالی را برداشتم و از پشت به او نزدیک شدم. آن را

دور گلویش انداختم اما ساکت نشد و فریاد می‌زد. لنگه جورابش را برداشتم و آن را در دهانش گذاشتم و دو دقیقه نگه داشتم. بعد که بیهوش شد تصور کردم به دلیل مصرف قرص‌ها به خواب رفته است. ظهر روز بعد که بیدار شدم سراغش رفتم که فوت شده بود و با صحنه‌سازی مرگش را خودکشی نشان دادم. با تکمیل تحقیقات پرونده برای محاکمه به شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان ارسال شد و متهم به ریاست قاضی بابایی محاکمه شد. در ابتدای این جلسه اولیای دم مقتول برایش رنج‌آور است. شب قبل از حادثه شوهرم دوباره قرص‌های آرامبخش خورد. سر مسائل مختلف و نداشتن بچه دوباره دعوی‌امان شد. زد و خورد کردیم. وسایل آشپزخانه با هم ریخت. ماهیتابه را برداشت و خودش را زد که دسته آن شکست.

وی ادامه داد: چهار زانو گف آشپزخانه نشست و داد و فریاد می‌کرد و ساکت نمی‌شد. شالی را برداشتم و از پشت به او نزدیک شدم. آن را

قتل رسیده و جسدش را با انداختن در گونی در رودخانه رها کرده‌اند.

تحقیقات پلیسی برای یافتن آدمربای قاتل و دو همدستش ادامه داشت تا این‌که همان شب رد یکی از متهمان در تهران به دست آمد و او بازداشت شد.

وی با انتقال به پلیس آگاهی تهران گفت: دوستم شهاب با این زن ارتباط دوستی داشت و به دستور همین زن، شوهرش را با کمک شهاب و یک مرد تبعه افغانستان از داخل خانه‌اش ربودیم و با انداختن در خودرویی با خودمان بردیم. آنها شوهر این زن را کشتند و من فقط در انتقال جسد با آنها همراه شدم.

سالار صنعتگر، بازپرس شعبه سوم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: این زن و مرد در بازداشت به سر می‌برند و تحقیقات برای دستگیری قاتل و دیگر همدست فراری‌اش ادامه دارد.

#### ۵۱ ماه حبس برای مرد شورو

**رئیس دادگستری شهرستان زرنند از صدور حکم قطعی ۵۱ ماه حبس تعزیری و ۲ سال تبعید در مناطق پد آب و هوا برای یکی از اراذل و اوپاش سابقه‌دار خبر داد. به گزارش روابط عمومی دادگستری، ابوالفضل فرحبخش در این باره گفت:** این مرد زندانی اتهامات سنگینی از جمله توهین و افترا، تهدید و ضرب و جرح عمدی، نگهداری غیرمجاز سلاح سرد و گرم و ایجاد مزاحمت برای بانوان و اختلال در نظم عمومی را در پرونده خود داشت. او بعد از دستگیری روانه زندان شد و مدتی قبل محاکه شد. وی که از اراذل و اوپاش سابقه‌دار بود بعد از محاکمه به ۵۱ ماه حبس تعزیری و ۲ سال تبعید در مناطق پد آب و هوا محکوم که سرانجام این حکم تایید شد. در خصوص دیگر جرایم این شورو از جمله ضرب و جرح با رویکرد حمایت از بزه‌دیدگان نیز در حال رسیدگی و فرد ملزم به پرداخت دیه خواهد بود. شایان ذکر است پرونده‌های مفتوح دیگری نیز علیه این متهم در حال رسیدگی است و دستگاه قضایی با جدیت پیگیری حل و فصل آنها خواهد بود.



#### ۶ کوهنورد گمشده در زیر بهمن

معاون عملیات سازمان امداد و نجات هلال احمر از وقوع سقوط بهمن در استان کردستان و ناپدید شدن شش کوهنورد خبر داد. محمد کبادی، معاون عملیات سازمان امدادونجات هلال احمر در این باره گفت: در مسیر پانه به میروان ۳۳ کیلومتری محور فرعی پانه به سمت روستای بیان دره (ارتفاعات کوه هفت تاش) وقوع بهمن باعث شد شش کوهنورد ناپدید شوند. بعداز این حادثه سه تیم عملیاتی هلال احمر به محل اعزام شدند و تلاش‌ها برای یافتن این کوهنوردان گمشده ادامه دارد.



## جام‌جم

## حوادث INCIDENT

شنبه ۱۱ اسفند ۱۴۳۲ ۱۴۳۲ شماره ۶۹۹۴

#### تنگر

### کشف جسد دختر گمشده در مزرعه

پس از گذشت دو سال از ناپدید شدن دختری جوان، جسدش در یک مزرعه کشف شد. بررسی‌هایشان می‌دهد او پس از به قتل رسیدن با دست و پای بسته در آنجا دفن شده است.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، اوایل پاییز سال ۱۴۰۱ خانواده‌ای با حضور در اداره چهارم پلیس آگاهی تهران شکایت کردند. دختر جوان‌شان به نام شیماز خانه بیرون رفته و دیگر بازنگشته و تلفن همراهش نیز خاموش است. با جمع‌بندی اطلاعات، ماموران تحقیق در این رابطه را آغاز کردند. آنها با بررسی پرونده اجساد مجهول‌الهویه باز هم ردی از دختر گمشده به دست نیاوردند. حتی افراد مختلفی که بااین خانواده و زن گمشده اختلاف داشتند، احضار شدند و مورد تحقیق قرار گرفتند اما هیچ‌کدام از سرنوشت دختر جوان اطلاعی نداشتند. سرانجام با گذشت دو سال، ماموران در روزهای پایانی آذر امسال با خبر شدند. آخرین نفری که با این زن ملاقات داشته یکی از دوستان قدیمی‌اش به نام مینا بوده که مدتی بعد از گمشدن شیماز، خانه‌اش را تغییر داده و به محله دیگری رفته است. او به عنوان مظنون در پرونده بازداشت شد و باانتقال به اداره چهارم پلیس آگاهی تهران در اظها راتش گفت: دختر گمشده چندسالی از من بزرگتر بود و در یک محله زندگی می‌کردیم. در آرایشگاه با او دوست شدم. بعد از مدتی به من گفت که با مردی آشنا شده و ارتباط آن مرد و زندگی‌اش را تعریف کرد گفتم در این ارتباط دچار مشکل می‌شوی و بهتر است از او جدا شوی. بعد از چند ماه به خاطر همان مرد با من دعوا کرد.

در ادامه هویت این مرد شناسایی و او تحت تعقیب پلیس قرار گرفت و بازداشت شد. متهم به عنوان مظنون دوم پرونده مورد تحقیق قرار گرفت و گفت: دو سال و نیم قبل در اینستاگرام با شیماز آشنا شدم. مدتی ارتباط داشتیم تا این‌که دو عوایمان شدو از هم جدا شدیم. تحقیقات پلیسی ادامه داشت تا این‌که با گذشت سه ماه از بازداشت این دو مظنون، ماموران اطریق پلیس یکی از شهرستان‌های اطراف تهران مطلع شدند مرد کشاورزی هنگام سرکشی به مزرعه‌اش متوجه جسد زنی در مزرعه‌اش شده که دست‌هایش با پارچه به هم بسته شده و از خاک بیرون زده است. با بیرون کشیدن جسد مشخص شد، او به قتل رسیده و عامل یا عاملان این جنایت، جسد را در آنجا دفن کرده‌اند. خانواده شیماز با حضور در پزشکی قانونی جسد دخترشان را شناسایی کردند. باکشف جسد دختر گمشده، ماموران به تحقیق از دو مظنون پرونده پرداختند که آنها در تحقیقات گفتند در قتل و دفن جسدوی نقشی نداشتند.

### دستگیری دزدی که عاشق طلا بود

سارق سابقه‌داری که در ۱۰ ثانیه طلای زنان و دختران را در خیابان یا مغازه‌ها به سرقت می‌برد، در پایتخت بازداشت شد. به گزارش خبرنگار جام‌جم، روزهای پایانی تابستان امسال زنی باحضور در یک‌گاه پنجم پلیس آگاهی تهران از مرد موتورسواری به اتهام سرقت دستبند طلای ۵۰ میلیون تومانی‌اش شکایت کرد و گفت: برای خرید به یکی از محله‌های پایتخت رفته بودم که موتورسواری به من نزدیک شد و با قاپیدن دستبندم متواری شد. همزمان با شروع تحقیقات، زنان و دختران جوان و میانسالی دیگری هم با حضور در پلیس آگاهی شکایت مشابهی را مطرح کردند. معلوم شد آنها هنگام تردد در محله‌های تهران قربانی مرد طلاطلب‌شدند و ارزش طلاها ۵۰ تا ۲۰۰ میلیون تومان بوده است. متهم سارق که همیشه ماسک می‌زد و کلاه بر سر داشت این بار در آخرین سرقتش، هنگام فرار با موتور زمین خورد و کلاه و ماسکش افتاد. ماموران با بازبینی فیلم دوربین‌های مداربسته محل سرقت و بررسی آن در بانک آلبوم مجرمان پلیس آگاهی توانستند متهم سابقه‌دار تحت تعقیب‌شان به نام یاشار را شناسایی کنند. پلیس سپس با زیر نظر گرفتن پاتوق‌های یاشار، این متهم ۴۵ ساله را دو روز پیش در خانه‌اش در جنوب تهران بازداشت کردند. متهم در تحقیقات گفت: اولین مرتبه که زندانی شدم ۲۰ سال قبل بود که مردی در خیابان مرا کتک زد و گردن‌بند طلایم را به سرقت برد. بعد از کلی جست‌وجورد خانه او را یافتم تا این که یک روز مادر او را در خیابان کتک‌زدم و گردن‌بند طلای او را سرقت کردم. بعد از آن بود که به راه خلاف افتادم و به سرقت گردن‌بند و دستبند طلای زنان و دختران رو آوردم. زنان و دختران را در خیابان تعقیب می‌کردم و در فرصتی مناسب طلایشان را سرقت می‌کردم.

صیاد خاکزاد عربلو، بازپرس شعبه دهم دادسرای ناحیه ۲۴ تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: متهم در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات از او ادامه دارد.